

کووید-۱۹ نوآغاز بزرگ

پیامدهای فردی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی کرونا

فهرست مطالب

۱۱ درباره کتاب «کووید-۱۹: نوآغاز بزرگ»
۱۳ درباره نویسندگان
۱۵ مقدمه

۱. نوآغاز کلان

۲۴ ۱-۱ چهارچوب مفهومی - سه ویژگی بارز دنیای امروز
۲۴ ۱-۱-۱ وابستگی متقابل
۲۸ ۲-۱-۱ سرعت
۳۲ ۳-۱-۱ پیچیدگی
۳۷ ۲-۱ نوآغاز اقتصادی
۳۷ ۱-۲-۱ اقتصاد کووید-۱۹
۳۹ ۱-۱-۲-۱ عدم قطعیت
۴۲ ۲-۱-۲-۱ سفسطه اقتصادی فدا کردن جان عده‌ای برای حفظ رشد
۴۵ ۲-۲-۱ رشد و اشتغال
۴۶ ۱-۲-۲-۱ رشد اقتصادی
۴۹ ۲-۲-۲-۱ اشتغال
۵۴ ۳-۲-۲-۱ رشد آینده چگونه است
۶۰ ۳-۲-۱ سیاست‌های مالی و پولی
۶۳ ۱-۳-۲-۱ افت قیمت‌ها یا تورم؟
۶۶ ۲-۳-۲-۱ سرنوشت دلار ایالات متحده
۷۰ ۳-۱ نوآغاز اجتماعی
۷۲ ۱-۳-۱ نابرابری‌ها
۷۷ ۲-۳-۱ ناآرامی اجتماعی
۸۱ ۳-۳-۱ بازگشت به دولت «بزرگ»
۸۶ ۴-۳-۱ قرارداد اجتماعی
۹۴ ۴-۱ نوآغاز ژئوپلیتیک
۹۶ ۱-۴-۱ جهانی‌سازی و ملی‌گرایی
۱۰۲ ۲-۴-۱ حکمرانی جهانی
۱۰۷ ۳-۴-۱ رقابت فزاینده میان چین و آمریکا

- ۱-۴-۴ دولت‌های شکننده و فروپاشیده ۱۱۴
- ۱-۵-۱ نوآغاز زیست‌محیطی ۱۲۰
- ۱-۵-۱ ویروس کرونا و محیط زیست ۱۲۳
- ۱-۵-۱-۱ طبیعت و بیماری‌های حیوان‌آورد ۱۲۳
- ۱-۵-۱-۲ آلودگی هوا و خطر عالم‌گیری ۱۲۵
- ۱-۵-۱-۳ تعطیلی و انتشار کربن ۱۲۶
- ۲-۵-۱ تأثیر عالم‌گیری بر تغییر اقلیم و دیگر سیاست‌های زیست‌محیطی ۱۲۸
- ۶-۱ نوآغاز فناوری ۱۳۷
- ۱-۶-۱ شتاب بخشیدن به دگرگونی دیجیتال ۱۳۸
- ۱-۶-۱-۱ مصرف‌کننده ۱۳۹
- ۱-۶-۱-۲ قانون‌گذار ۱۴۰
- ۱-۶-۱-۳ بنگاه‌های تجاری ۱۴۱
- ۲-۶-۱ ردگیری تماس، رصد تماس و نظارت ۱۴۴
- ۳-۶-۱ خطر ویران‌شهر ۱۵۰

۲. نوآغاز خُرد (صنعت و تجارت)

- ۱-۲ روندهای خُرد ۱۵۸
- ۱-۱-۲ شتاب دیجیتالی‌سازی ۱۵۸
- ۲-۱-۲ زنجیره‌های تأمین انعطاف‌پذیر ۱۶۲
- ۳-۱-۲ دولت‌ها و کسب‌وکار ۱۶۴
- ۴-۱-۲ سرمایه‌داری ذی‌نفعان و ملاحظات محیطی، اجتماعی و حاکمیتی ۱۶۶
- ۲-۲ نوآغاز صنعت ۱۷۰
- ۱-۲-۲ تعامل اجتماعی و تراکم‌زدایی ۱۷۱
- ۲-۲-۲ تغییرات رفتاری - پایدار در برابر گذرا ۱۷۶
- ۳-۲-۲ تاب‌آوری ۱۸۲

۳. نوآغاز فردی

- ۱-۳ بازتعریف انسانیت ما ۱۹۰
- ۱-۱-۳ فرشتگان نیکوتر سرشت ما ... یا دیوهای درون ۱۹۰
- ۲-۱-۳ انتخاب‌های اخلاقی ۱۹۵
- ۲-۳ سلامت روان و بهزیستی ۲۰۱
- ۳-۳ تغییر اولویت‌ها ۲۰۸
- ۱-۳-۳ خلاقیت ۲۰۹
- ۲-۳-۳ زمان ۲۱۱
- ۳-۳-۳ مصرف ۲۱۳

۲۱۵	۳-۳-۴ طبیعت و بهزیستی
۲۱۹	نتیجه‌گیری
۲۲۷	سپاسگزاری
۲۲۹	یادداشت‌ها
۲۴۵	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی
۲۴۷	واژه‌نامه فارسی به انگلیسی

درباره کتاب « کووید-۱۹: نوآغاز بزرگ »

از زمان ورود کووید-۱۹ به صحنه جهانی، به طرز چشمگیر شاهد مشکلاتی در اداره کشورها، زندگی جمعی و همچنین اقتصاد جهانی هستیم. کتاب کووید-۱۹: نوآغاز بزرگ که به قلم کلاوس شواب بنیادگذار مجمع جهانی اقتصاد و تیری مالرت نویسنده مانثلی بارومتر (Monthly Barometer) به رشته تحریر درآمده، تلویحات و پیامدهای دوردست و گسترده این بحران را بر جهان فردای ما ترسیم می‌کند.

هدف اصلی این کتاب کمک به درک آن چیزی است که در ابعاد مختلف پیش روی ماست. این کتاب در ژوئیه سال ۲۰۲۰ و در میانه بحران عالم‌گیری کووید-۱۹ منتشر شد، درست زمانی که ممکن است شاهد موج‌های بیشتری از انتشار بیماری باشیم. کتاب حاضر ترکیبی از مقاله‌ای معاصر و تصویری علمی از لحظه تاریخی مهم و حیاتی است. این کتاب شامل نظریه و مثال‌هایی عملی است اما مختصری نیز به توضیح و تبیین می‌پردازد. همچنین حاوی حدس و گمان‌ها و نظرات زیادی در این باره است که دنیای پس از عالم‌گیری چگونه است و بهتر است چگونه باشد.

این کتاب بر سه فصل اصلی استوار است که هر یک دورنمای اجمالی وسیعی از آینده ارائه می‌کنند. در فصل نخست به ارزیابی این موضوع می‌پردازیم که تأثیر عالم‌گیری بر پنج مقوله کلیدی کلان چیست: عوامل اقتصادی، اجتماعی، ژئوپلیتیک، زیست‌محیطی و فناوری. در فصل دوم، تأثیرات را در سطح خرد مدنظر قرار می‌دهیم و در نهایت در فصل سوم نیز فرضیه‌هایی را درباره ماهیت پیامدهای احتمالی در سطح فردی مطرح می‌کنیم.

در اوایل ژوئیه ۲۰۲۰، ما نویسندگان کتاب کووید-۱۹: نوآغاز بزرگ بر سر دوراهی قرار داریم. یک مسیر ما را به دنیایی بهتر رهسپار خواهد کرد: دنیایی همگانی‌تر، عادلانه‌تر و همراه با احترام بیشتر به الهه طبیعت؛ اما مسیر دیگر به جهانی رهسپار می‌شود که تاکنون در آن بوده‌ایم و به واسطه غافل‌گیری‌های نامطلوب، حتی ممکن

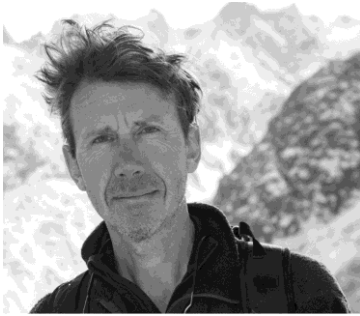
است بدتر و دائماً همراه با مشقت باشد. از این رو، باید تلاش کنیم آن را بسازیم. چالش‌های پیش روی ما ممکن است پیامدهایی بیش از آنچه تاکنون تصور می‌کردیم به بار آورند، اما ظرفیت ما برای نوآغاز نیز می‌تواند بیش از آن چیزی باشد که پیش‌تر شہامت تصورش را داشته‌ایم.

درباره نویسندگان



پروفسور کلاوس شواب (۱۹۳۸، رافنزیبورگ، آلمان) بنیادگذار و رئیس اجرایی مجمع جهانی اقتصاد است. وی در سال ۱۹۷۱ کتابی با عنوان مدیریت مدرن شرکت‌ها در مهندسی مکانیک منتشر کرد. در آن کتاب بیان داشت که شرکت‌ها نه تنها باید به سهامداران خود خدمات دهند بلکه همه ذی‌نفعان باید به رشد و رونق بلندمدت دست یابند. جهت ارتقای مفهوم ذی‌نفعان وی در همان سال مجمع جهانی اقتصاد را بنا نهاد.

پروفسور شواب دارای مدرک دکترای اقتصاد (از دانشگاه فریبورگ) و مهندسی (از مؤسسه فناوری فدرال سوئیس) است و مدرک کارشناسی ارشد خود را نیز در رشته مدیریت دولتی (MPA) از دانشکده هاروارد کندی دریافت کرد. وی در سال ۱۹۷۲، علاوه بر نقش رهبری مجمع، استاد دانشگاه ژنو شد. از آن زمان افتخارات ملی و بین‌المللی زیادی کسب کرده است که از میان آنها می‌توان به دریافت ۱۷ دکترای افتخاری اشاره کرد. از آخرین آثار وی نیز می‌توان به کتاب *انقلاب صنعتی چهارم* (۲۰۱۶)، کتابی پر فروش در سطح دنیا که به ۳۰ زبان ترجمه شده و کتاب *شکل دادن آینده انقلاب صنعتی چهارم* (۲۰۱۸) اشاره کرد.



تیری مالرت (۱۹۶۱، پاریس، فرانسه) شریک و مدیر مؤسسه مانثلی بارومتر (Monthly Barometer) است که تحلیل‌های پیش‌بینی فشرده را برای سرمایه‌گذاران خصوصی، مدیران اجرایی جهانی و نظرخواهان و تصمیم‌گیرندگان ارائه می‌کند. تجربه حرفه‌ای او شامل راه‌اندازی شبکه مخاطرات جهانی

در مجمع جهانی اقتصاد و رهبری گروه برنامه‌نویسی آن است.

مالرت دانش‌آموخته سوربن و الود دس هاتس اتودس ان ساینسز سوسیالیز پاریس و کالج سن آنتونی آکسفورد است. وی دارای مدرک کارشناسی ارشد اقتصاد و تاریخ و همچنین دکترای اقتصاد است. مالرت در زمینه بانکداری سرمایه‌گذاری، اتاق‌های فکر، ارتباط دانشگاه و دولت (با سابقه سه سال حضور در دفتر نخست‌وزیر در پاریس) فعالیت می‌کند. وی کتاب‌های تجاری و دانشگاهی زیادی نوشته و چهار رمان نیز به قلم وی منتشر شده است. تیری به همراه همسرش ماری آن در شامونی فرانسه زندگی می‌کند.

مقدمه

بحران جهانی در اثر عالم‌گیری ویروس کرونا نمونه‌ مشابهی در تاریخ نوین ندارد. اگر بگوییم این اتفاق کل جهان و هر یک از ما را به‌تنهایی با دشوارترین دوره طی نسل‌ها رویارو کرده کسی نمی‌تواند ما را متهم به اغراق و گزاف‌گویی کند. ضمن اینکه این وضعیت مربوط به مشکلات فعلی است- باید برای سال‌ها با عوارض و پیامدهای آن دست‌وپنجه نرم کنیم و خیلی چیزها برای همیشه تغییر خواهند کرد. این اتفاق خلل اقتصادی نسبتاً بزرگی به بار خواهد آورد و شاهد دورانی خطرناک همراه با تغییرات ناگهانی در ابعاد مختلف- اعم از سیاسی، اجتماعی، ژئوپلیتیک- خواهیم بود. همچنین نگرانی‌های عمیقی را در ارتباط با محیط‌زیست برمی‌انگیزد و جای پای فناوری را در زندگی ما می‌گسترده (به شکلی مهلک یا طریقی دیگر). هیچ صنعت یا تجارتی از تأثیرات این تغییرات در امان نخواهد بود. میلیون‌ها شرکت با خطر ورشکستگی و بسیاری از صنایع نیز با آینده‌ای مبهم مواجه خواهند شد و تنها تعداد کمی رونق خواهند داشت. در سطح فردی، برای بسیاری از افراد زندگی مثل گذشته با سرعت زیادی جریان خواهد داشت؛ اما بحران‌های وجودی عمیق ناشی از عالم‌گیری ممکن است موجب درون‌نگری و عاملی برای دگرگونی شوند. مسائل مختلف- از جمله برجسته‌ترین آنها یعنی شکاف‌های اجتماعی، بی‌عدالتی، عدم تعاون و همکاری، شکست در حکمرانی و رهبری جهانی- اکنون دیگر مانند قبل نیست و مردم احساس می‌کنند زمان نوآوری و تحول فرا رسیده است. دنیای جدید ظهور خواهد کرد. چگونگی تصور و ترسیم خطوط این دنیای جدید در دستان ما خواهد بود.

در زمان نگارش این کتاب (ژوئن ۲۰۲۰)، عالم‌گیری ویروس کووید-۱۹ در سطح جهان در حال بدتر شدن است. بسیاری از ما با خودمان فکر می‌کنیم بالاخره چه زمانی وضع به حالت طبیعی بازخواهد گشت؟ پاسخ کوتاه و سریع ما این است: هیچ‌وقت. هیچ‌چیزی به حالت طبیعی قبل از بحران باز نخواهد گشت زیرا عالم‌گیری ویروس

کرونا نقطه عطفی اساسی در روند جهان ما بود. برخی از تحلیل‌گران از آن با عنوان دوراهی و برخی نیز بحران عمیق «فاجعه‌آمیز» یاد می‌کنند، اما هرچه باشد جوهره آن یکی است: دنیایی که ما در ماه‌های اولیه سال ۲۰۲۰ می‌شناختیم دیگر وجود ندارد و در امواج پرتلاطم عالم‌گیری غرق شده است. تغییرات بی‌شمار چنین پیامدی در حال ظهور هستند طوری که برخی اندیشمندان از آن با عنوان دوران «قبل از ویروس کرونا» (BC) و دوران «بعد از ویروس کرونا» (AC) یاد می‌کنند. غافل‌گیری ما، هم از سرعت و هم از ماهیت غیرمنتظره این تغییرات، ادامه خواهد داشت - طوری که آمیختگی این عوامل با هم، موجب پدیدآیی آثار سلسله‌مراتبی و پیامدهای پیش‌بینی نشده مرتبه دوم، سوم، چهارم و بیشتر خواهد شد. به این ترتیب، آنها «هنجار جدیدی» شکل می‌دهند که از اساس با آنچه به تدریج از سر خواهیم گذراند متفاوت است. بسیاری از باورها و فرضیه‌های ما درباره این‌که دنیا چگونه به نظر می‌رسد یا باید باشد در این فرایند درهم خواهند شکست.

با این حال، اظهارنظرهای گسترده و افراطی (برای مثال، «همه‌چیز تغییر خواهد کرد») و تحلیل‌های همه‌یاهیچ و سیاه‌وسفید را باید با احتیاط زیادی مطرح کرد. قطع به یقین واقعیت تفاوت‌های محسوس و ظریفی به خود خواهد دید. عالم‌گیری ممکن است به خودی خود و به‌طور کامل موجب دگرگونی دنیا نشود، اما احتمالاً بسیاری از تغییراتی که پیش‌تر در جریان بوده را سرعت می‌بخشد که این سرعت و تغییرات نیز موجب به راه افتادن سایر تغییرات خواهند شد.

تنها قطعیت موجود این است که: تغییرات خطی نخواهند بود و انقطاع‌های شدیدی غالب خواهند شد. کتاب کووید-۱۹: نوآغاز بزرگ تلاشی برای شناسایی و تاباندن نوری بر تغییرات پیش روی ماست و قصد دارد در تعیین اینکه شکل مطلوب‌تر و مناسب‌تر این تغییرات چگونه است سهمی هرچند اندک داشته باشد.

اجازه دهید کار را با نگاهی از یک چشم‌انداز دور آغاز کنیم: گونه انسان حدود دویست هزار سال، قدیمی‌ترین باکتری‌ها میلیاردها سال و ویروس‌ها حداقل سیصد میلیون سال قدمت دارند. این بدان معناست که به احتمال زیاد عالم‌گیری‌ها همیشه وجود داشته‌اند و از زمانی که مردم سفر کردن را آغاز کردند بخشی همیشگی از تاریخ

انسان بوده‌اند؛ طی دو هزار سال گذشته عالم‌گیری‌ها تبدیل به قاعده شده‌اند نه استثناء. به خاطر ماهیت ذاتاً مخرب عالم‌گیری‌ها، آنها در سرتاسر تاریخ نیرویی برای تغییرات پایدار و اغلب شدید بوده‌اند: موجب جرقه شورش‌ها، درگیری در جامعه و شکست‌های نظامی شده‌اند، اما از طرفی موجب نوآوری‌ها، ترسیم مجدد مرزهای ملی هم شده‌اند و اغلب راه را برای انقلاب‌ها نیز مهیا کرده‌اند. شیوع بیماری‌ها موجب تغییرات امپراتوری‌ها نیز شد-مانند امپراتوری بیزانس که به سال ۵۴۲-۵۴۱ میلادی طاعون به دودمان ژوستینیان ضربه سنگینی وارد کرد-و حتی بعضی از امپراتوری‌ها به کل از بین رفتند-درست همان‌طور که اکثر افراد در امپراتوری آرتک و اینکا در اثر میکروب‌های اروپایی مُردند. همچنین اقدامات مسئولان جهت کنترل و محدود کردن شیوع بیماری‌ها همواره بخشی از سیاست آنها بوده است؛ بنابراین، اعمال محدودیت و تعطیلی که در اکثر دنیا جهت مدیریت کوید-۱۹ به مردم تحمیل شده چیز جدیدی نیست. این اقدامات برای قرن‌ها رواج داشته‌اند. ایجاد اولین محدودیت‌ها مربوط به قرنطینه‌ای است که به منظور کنترل مرگ سیاه بین سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۵۱ میلادی اعمال شد که حدود یک‌سوم افراد را در کل اروپا به کام مرگ کشانده بود. اندیشه محدود کردن افراد در آن زمان، که برگرفته از واژه quaranta به معنی دوره چهارروزه است (و در زبان ایتالیایی معادل «forty»)، برای ۴۰ روز بدون اینکه مسئولان بدانند واقعاً چه چیزی را می‌خواهند محدود کنند عملی شد، اما این اقدامات یکی از اولین اشکال «سلامت عمومی رسمی» است که به مشروعیت «تمرکز قدرت» در دولت‌های نوین کمک می‌کند (۱). دوره چهارروزه هیچ اساس پزشکی ندارد؛ این مفهوم به دلایل نمادین و مذهبی انتخاب شده است: هم عهد عتیق و هم عهد جدید اغلب به عدد ۴۰ در بافت تهذیب اشاره می‌کنند - به‌طور خاص می‌توان به ۴۰ روز توبه و تعمق و ۴۰ روز سیل در کتاب پیدایش اشاره کرد.

رواج یافتن بیماری‌های مسری پتانسیل زیادی در ایجاد ترس، اضطراب و هیستری جمعی دارد. همان‌طور که دیدیم این مسئله موجب به چالش کشیدن انسجام اجتماعی و توان جمعی ما برای مدیریت بحران می‌شود. همه‌گیری‌ها ذاتاً جداکننده و آسیب‌زا هستند. آنچه ما در حال جنگ با آن هستیم غیرقابل مشاهده است؛ خانواده، دوستان و همسایگان ما ممکن است همه تبدیل به منبعی از انتقال و سرایت شوند؛ آن دسته از

کارهای روزمره‌ای که انجام می‌دادیم، مانند دیدار با دوست در مکانی عمومی، ممکن است تبدیل به وسیله‌ای برای انتقال بیماری شود؛ همچنین مسئولانی که تلاش می‌کنند با تحمیل اقدامات محدودسازی ایمنی ما را حفظ کنند اغلب به‌عنوان عوامل ظلم‌وستم شناخته می‌شوند. در کل تاریخ، الگوی مهم و تکرارشونده جستجوی دیواری کوتاه و مکانی ثابت برای سرزنش و اعلام تقصیر در بیرون وجود داشته است. در اروپای قرون وسطی، یهودیان تقریباً همواره قربانیان بدنام و عامل کشتار همگانی دیگران در اثر طاعون بودند. مثالی غم‌انگیز این مسئله را نشان خواهد داد: در سال ۱۳۴۹ میلادی، دو سال بعد از اینکه مرگ سیاه در کل قاره اروپا شیوع یافته بود، در روز عشق در استراسبورگ، مردم خواستار این شدند تا یهودی‌ها که متهم به شیوع طاعون با آلوده کردن چشمه‌های آب شهر بودند بیرون رانده شوند. حدود ۱۰۰۰ نفر از این دستور امتناع کردند و زنده‌زنده سوزانده شدند. طی همان سال، جوامع یهودی در سایر شهرهای اروپا نیز ناپدید شدند و مجبور شدند دسته‌جمعی به بخش شرقی اروپا مهاجرت کنند (به لهستان و روسیه)، دائماً جمعیت قاره در این فرایند تغییر می‌کرد. آنچه در مورد ضدیهود بودن اروپا صادق است درباره‌ی روی کار آمدن دولت‌های افراطی، عقب‌نشینی تدریجی کلیسا و بسیاری از رویدادهای تاریخی که نمی‌توان تغییرات کوچکی را برای عالم‌گیری به آنها نسبت داد نیز به کار می‌رود. تغییرات بسیار گوناگون و گسترده بودند که منجر به «پایان دوره تسلیم»، «خاتمه فتودالیسم و همچنین بردگی شد و طلیعه عصر روشنگری قرار گرفت. خیلی ساده بگوییم: «مرگ سیاه شاید به‌مثابه تولد غیررسمی انسان نوین محسوب شود» (۲). اگر چنین تغییرات عظیم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در اثر طاعون در قرون وسطی رخ داده، آیا عالم‌گیری کووید-۱۹ نیز می‌تواند نقطه شروع تحولاتی مشابهی همراه با پیامدهای بلندمدت و چشمگیر در دنیای امروز ما باشد؟ برخلاف همه‌گیری‌های مشخص گذشته، کووید-۱۹ تهدید وجودی نوین نیست. این عالم‌گیری منجر به قحطی‌های گسترده و پیش‌بینی‌نشده یا شکست‌های نظامی و تغییر حکومت‌ها نخواهد شد. در اثر این عالم‌گیری نه کل جوامع نابود می‌شوند و نه آواره. با این حال، این موضوع به معنای تحلیلی اطمینان‌بخش نیست. در واقعیت، عالم‌گیری به طرز چشمگیر موجب تشدید مخاطرات از پیش موجود می‌شود که مدت‌هاست نتوانسته‌ایم به شکلی مناسب با آنها

برخورد کنیم. همچنین موجب شتاب بخشیدن به روندهای مختل‌کننده‌ای خواهد شد که مدت‌هاست به وجود آمده‌اند.

برای اینکه به پاسخ معناداری دست یابیم نیازمند چهارچوبی مفهومی هستیم (یک نقشه ذهنی ساده) که به ما کمک کند آنچه پیش رو داریم را بشناسیم و درک کنیم. خصوصاً بصیرت‌های حاصله از تاریخ می‌توانند بسیار کمک‌کننده و مفید باشند. به این خاطر است که وقتی مجبور می‌شویم سؤالات سختی دربارهٔ اینکه چه چیزی و تا چه حد تغییر خواهد کرد از خودمان بپرسیم، اغلب در جستجوی یک «لنگر ذهنی» اطمینان‌بخش هستیم تا بتواند به‌عنوان سنگ محک عمل کند. در این راستا، با سؤال‌هایی از این دست به دنبال سوابق مشابه هستیم: آیا این عالم‌گیری مثل آنفلوآنزای اسپانیایی در سال ۱۹۱۸ است (که برآورد شده طی سه موج متوالی آن بیش از ۵۰ میلیون نفر در سرتاسر دنیا کشته شدند)؟ آیا این عالم‌گیری هم شبیه به رکود بزرگی است که در سال ۱۹۲۹ آغاز شد؟ آیا هیچ شباهتی با شوک روانی واردشده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دارد؟ آیا تشابهی با شیوع سارس (SARS) در سال ۲۰۰۳ و آنفلوآنزای خوکی (H1N1) در سال ۲۰۰۹ دارد (البته در مقیاسی متفاوت)؟ آیا ممکن است شبیه به بحران مالی عظیم سال ۲۰۰۸ بوده یا حتی بزرگ‌تر از آن باشد؟ پاسخ درست و البته ناخوشایند ما به تمام این سؤال‌ها این است: خیر! هیچ‌یک از این‌ها نه از منظر تناسب و نه الگوی رنج انسانی و خلل اقتصادی ایجادشده شبیه به عالم‌گیری کنونی نیستند. فروپاشی اقتصادی فعلی با گستره‌ای خاص و عظیم هیچ شباهتی با بحران‌های تاریخ نوین ندارد. همان‌طور که از سوی بسیاری از دولت‌ها و ایالت‌ها در اواسط عالم‌گیری کنونی مطرح شد، ما در جنگ هستیم، اما با دشمنی که غیرقابل مشاهده است و البته به استعاره می‌توان گفت: «اگر آنچه پیش روی ماست در واقع جنگ است، مسلماً جنگی عادی نیست. گذشته از همهٔ این‌ها، دشمن امروزمان از همهٔ ما انسان‌ها برمی‌خیزد» (۳).

با وجود این، می‌توان جنگ جهانی دوم را یکی از لنگرهای ذهنی مرتبط برای ارزیابی آنچه پیش روی ماست مدنظر قرار داد. جنگ جهانی دوم یکی از جنگ‌های دگرگون‌ساز اصلی بود که نه تنها تغییراتی بنیادی در نظم جهانی و اقتصاد جهان به وجود آورد بلکه موجب تغییرات گسترده‌ای در نگرش‌ها و باورهای اجتماعی شد که

نهایتاً راه را بر سیاست‌ها و قراردادهای اجتماعی بسیار جدید گشود (مانند حضور زن‌ها به‌عنوان نیروی کار قبل از سن قانونی). مسلماً اختلافات فاحشی بین عالم‌گیری و جنگ وجود دارد (که در ادامه بدان خواهیم پرداخت)، اما قدرت دگرگون‌سازی آنها قابل قیاس است. هر دو پتانسیل این را دارند که تبدیل به بحرانی دگرگون‌ساز در مقیاسی غیرقابل تصور شوند. با این حال، باید نسبت به این قیاس‌های سطحی آگاه بود. حتی در وحشتناک‌ترین حالت نیز کووید-۱۹ در مقایسه با طاعون‌های بزرگ از جمله آنچه در مرگ‌های سیاه یا جنگ جهانی دوم شاهد بودیم، تعداد کمتری از افراد را به کام مرگ خواهد کشاند. به‌علاوه، اقتصاد امروزی هیچ شباهتی به قرن‌های گذشته ندارد که متکی بر کارهای یدی و زمین‌های کشاورزی یا صنایع سنگین بودند. با این حال، در دنیای به هم پیوسته و به هم وابسته امروز تأثیر عالم‌گیری فراتر از «صرفاً» آمارهای مرتبط با مرگ‌ومیر، بیکاری و ورشکستگی خواهد بود.

کتاب کووید-۱۹: نوآغاز بزرگ، در میانه بحرانی که پیامدهای آن تا سال‌ها بعد گریبان ما را خواهند گرفت به نگارش درآمد و منتشر شد. تعجب‌آور نیست که همه ما تا حدودی احساس سردرگمی کنیم - احساس‌هایی که هنگام وارد آمدن شوک شدید بسیار قابل‌درک هستند و قطعیت نگران‌کننده‌ای را به همراه دارد چراکه پیامدهای آن هم غیرقابل‌انتظار و هم غیرمعمول خواهند بود. این بیگانگی به‌خوبی توسط آلبرت کامو در رمان طاعون به سال ۱۹۴۷ منعکس شده است: «به یک معنا، تمامی این تغییرات بسیار غیرقابل‌تصور بودند و چنان ناگهانی رخ دادند که تصور دوام و ماندگاری احتمالی آنها راحت نبود» (۱۴). اکنون که ما نیز با چیزهای غیرقابل‌تصور رویارو هستیم، بعد از آن چه اتفاقی خواهد افتاد، بلافاصله پس از عالم‌گیری و سپس در آینده قابل‌پیش‌بینی چطور؟

قطعاً خیلی زود است که با دقت معقولانه‌ای بگوییم کووید-۱۹ چه تغییرات «مهمی» را پیش خواهد کشید، اما هدف این کتاب ارائه برخی راهنمایی‌های منسجم و مفهومی مناسب دربارهٔ اوضاعی است که احتمال می‌رود در پیش داشته باشیم و اینکه بتوانیم به جامع‌ترین روش ممکن عمل کنیم. هدف ما کمک به خوانندگان برای درک ابعاد چندوجهی تغییراتی است که پیش روی ماست. در سطح حداقلی، همان‌طور که

خواهیم گفت، عالم‌گیری موجب شتاب بخشیدن به تغییراتی منظم می‌شود که پیش از بحران کنونی در حال وقوع بودند و از آن میان می‌توان به این موارد اشاره کرد: عقب‌نشینی نسبی جهانی‌سازی، جدایی فزاینده بین چین و ایالات متحده، سرعت بخشیدن به اتوماسیون، نگرانی‌ها درباره نظارت شدید، جذابیت فزاینده سیاست‌های بهزیستی، افزایش ملی‌گرایی و ترس‌های ناشی از مهاجرت، قدرت روبه‌رشد فناوری، لزوم برخورداری شرکت‌ها از امکانات برخط گسترده‌تر؛ اما با تغییر چیزهایی که پیش‌تر غیرقابل تغییر به نظر می‌رسیدند این مسئله ممکن است فراتر از شتاب صرف باشد؛ بنابراین ممکن است موجب تغییراتی شود که به نظر قبل از عالم‌گیری غیرقابل تصور بودند، از قبیل آشکال جدید سیاست‌های پولی مانند پول هلی‌کوپتری (پول پاشی)، تجدیدنظر یا تجدید ارزیابی برخی از اولویت‌های اجتماعی مان و جستجوی زیاد برای منافع مشترک به‌عنوان هدفی سیاسی، مفهوم عدالت در دستیابی به قدرت سیاسی، اقداماتی در زمینه رفاه بیشتر و مالیات و بازنگاری‌های اساسی در ژئوپلیتیک.

نکته مهم این است که: احتمالات برای تغییر و نظم جدید حاصله در حال حاضر نامحدود هستند و فقط محدود به تصورات ماست، خواه بهتر خواه بدتر. ممکن است جوامع بیشتر بر مبنای تساوی حقوق پیش روند یا دیکتاتورتر شوند، یا اینکه به سمت همبستگی بیشتر یا فردگرایی بیشتر پیش روند، اینکه تنها منافع عده‌ای تأمین شود یا طیف اکثریت؛ اقتصادها، پس از بهبود، ممکن است مسیر گسترده‌تری در پیش گیرند و با نیازهای مشترک جهانی ما همسو شوند یا اینکه به همان شکل سابق پیش روند. نکته‌ای که باید بدانیم این است: ما باید از این فرصت بی‌سابقه‌ای که برای تصویرسازی مجدد دنیا به وجود آمده نهایت بهره را ببریم تا آن را تبدیل به دنیایی بهتر و مقاوم‌تر کنیم، چیزی که در روی دیگر این بحران وجود دارد.

ما آگاهیم که تلاش برای پوشش دادن دامنه و گستره تمامی مسائل ارائه‌شده در این کتاب تکلیفی دشوار است که شاید غیرممکن به نظر برسد. موضوع و تمامی ابهامات مرتبط با آن بسیار گسترده هستند و شاید نیازمند کتابی به حجم پنج برابر کتاب فعلی باشد؛ اما هدف ما نگارش کتابی مختصر و ساده به‌منظور کمک به خواننده بود تا آنچه

در ابعاد مختلف پیش روی ماست را بهتر درک کند. به منظور کوتاه کردن متن از ارجاع‌های مستقیم پرهیز شده و تا جای ممکن اطلاعات مرتبط با منابع در انتهای کتاب آورده شده است. کتاب حاضر در میانه بحران کووید-۱۹ منتشر شد و در این زمان انتظار می‌رود شاهد موج‌های بیشتری از بیماری باشیم. از این رو، به‌طور مداوم سعی داریم کتاب را تکمیل کنیم تا ماهیت تغییر موضوعات مدنظر قرار گیرد. ویرایش‌های بعدی بر اساس یافته‌های جدید، آخرین پژوهش‌ها، تجدیدنظر در اقدامات و بازخوردهای مداوم خوانندگان به‌روزرسانی خواهد شد.

کتاب حاضر ترکیبی از کتاب و مقاله‌ای علمی است. این کتاب شامل نظریه و مثال‌هایی عملی است اما مختصری نیز به توضیح و تبیین می‌پردازد. همچنین حاوی حدس و گمان‌ها و نظرات زیادی در این باره است که جهان پس از عالم‌گیری چگونه است و چگونه باید باشد. کتاب حاضر به دنبال تعمیم‌های ساده یا ارائه توصیه به دنیایی نیست که در حال گذار به هنجار جدید است، اما مطمئنیم مفید واقع خواهد شد.

ساختار این کتاب بر سه فصل اصلی استوار است که چشم‌انداز اجمالی وسیعی از آینده ارائه می‌کند. در فصل نخست به ارزیابی این موضوع می‌پردازیم که تأثیر عالم‌گیری بر پنج مقوله کلیدی کلان چیست: عوامل اقتصادی، اجتماعی، ژئوپلیتیک، محیطی و فناوری. در فصل دوم، تأثیرات را در سطح خرد مدنظر قرار می‌دهیم و نهایتاً در فصل سوم نیز فرضیه‌هایی درباره ماهیت پیامدهای احتمالی در سطح فردی مطرح می‌کنیم.

۱. نوآغاز کلان

دور نخست سفر ما به پنج مقوله کلان اختصاص دارد که چهارچوب تحلیلی جامعی را برای درک اتفاقات حال حاضر دنیا و چگونگی پیشروی اوضاع ارائه می‌کند. جهت تسهیل در خوانش کتاب، مضمون هر پنج مقوله را به‌طور جداگانه بررسی می‌کنیم؛ اما در واقعیت آنها به هم وابسته هستند که ما نیز کارمان را از همین وابستگی متقابل شروع می‌کنیم: مغز ما مجبورمان می‌کند خطی فکر کنیم، اما دنیایی که ما را احاطه کرده غیر خطی است، در واقع باید گفت: پیچیده، انطباقی، سریع و مبهم است.

۱-۱ چهارچوب مفهومی - سه ویژگی بارز دنیای امروز

نوآغاز کلان در بافت سه نیروی غالب مجزا که دنیای امروز ما را شکل می‌دهند رخ خواهد داد: وابستگی متقابل، سرعت و پیچیدگی. این سه گانه نیروهای خودش را خواه در مقیاسی کوچک‌تر و خواه بزرگ‌تر بر همه ما، هرکس و هر جا که باشیم، تحمیل می‌کند.

۱-۱-۱ وابستگی متقابل

اگر بخواهیم فقط یک کلمه را برای انعکاس جوهره قرن بیست و یک بیان کنیم آن عبارت است از «وابستگی متقابل». وابستگی متقابل یکی از محصولات جانبی جهانی‌سازی و پیشرفت فناوری است و در اساس می‌توان آن را به صورت پویایی وابستگی متقابل میان عناصری تعریف کرد که شکل‌دهنده یک نظام هستند. این حقیقت که در دو دهه اخیر جهانی‌سازی و توسعه فناوری پیشرفت زیادی کرده برخی از دانشمندان را بر آن داشته تا بیان دارند که دنیا هم‌اکنون «تراپیوسته» است - مانند وابستگی متقابل استروئیدها! خوب، این وابستگی‌های متقابل در عمل به چه معناست؟ خیلی ساده به این معناست که دنیا «متصل» است: اجزای آن به هم پیوند خورده است. در اوایل دهه ۲۰۱۰، کشور مهبوبانی، آکادمیک و دیپلمات سابق سنگاپور، این واقعیت را با استعاره کشتی کوچک بیان کرد: «هفت میلیارد آدمی که ساکن سیاره زمین هستند دیگر در بیش از صد قایق مجزا [کشورها] زندگی نمی‌کنند. در عوض همه آنها در ۱۹۳ اتاقک مختلف کشتی‌ای کوچک زندگی می‌کنند.» به قول او، این یکی از بزرگ‌ترین تحولاتی است که شاهدش بوده‌ایم. در سال ۲۰۲۰، او این استعاره را در ارتباط با عالم‌گیری کنونی این‌گونه بیان کرده است: «اگر ما هفت و نیم میلیارد نفر انسان هم‌اکنون در کشتی کروز هستیم که ویروس در آن انتشار یافته، آیا درست است که فقط اتاقک شخصی خودمان را تمیز کنیم و از راهروها و هوای بیرون که ویروس در آن جابه‌جا می‌شود غافل باشیم؟ پاسخ قطعاً خیر است. با این حال، این همان کاری است که از زمان گسترش ویروس کرونا انجام داده‌ایم... از آنجا که همه ما در حال

حاضر در یک کشتی هستیم، بشر باید این کشتی جهانی را مانند یک کل در نظر بگیرد و مراقب آن باشد» (۵).

دنیای دارای وابستگی متقابل، دنیایی از پیوستگی منظم عمیق است که در آن تمامی مخاطرات از طریق شبکه‌ای از تعامل‌های پیچیده بر یکدیگر اثر می‌گذارند. در چنین شرایطی، این ادعا که خطر اقتصادی محدود به همان قلمرو اقتصادی خواهد بود یا اینکه یک خطر محیطی تأثیری در مخاطرات سایر حیطه‌ها (اقتصادی، ژئوپلیتیک و غیره) نخواهد داشت، دیگر پذیرفتنی نیست. همه ما می‌توانیم در نظر بگیریم که مخاطرات اقتصادی موجب مخاطرات سیاسی خواهند شد (مانند بیکاری ناگهانی که منجر به ناآرامی‌های اجتماعی می‌شود) یا اینکه مخاطرات فناوری موجب مخاطرات اجتماعی می‌شوند (برای مثال، ردگیری عالم‌گیری از طریق تلفن همراه موجب واکنش‌های اجتماعی شدیدی می‌شود). زمانی که مخاطرات فردی به صورت جداگانه در نظر گرفته می‌شوند - خواه اقتصادی، ژئوپلیتیک، اجتماعی یا محیطی - موجب برداشت اشتباهی مبنی بر این می‌شود که می‌توان آنها را مهار کرد یا کاهش داد؛ در زندگی واقعی، پیوستگی نظام‌مند نشان می‌دهد که این امر بر ساخته‌ای مصنوعی است. در دنیای دارای وابستگی متقابل، مخاطرات یکدیگر را تشدید می‌کنند، در نتیجه دارای اثر سلسله‌مراتبی هستند. به همین خاطر است که اقدامات ما برای جدایی یا مهار نمی‌تواند با وابستگی متقابل و ارتباط به هم پیوسته موزون و هماهنگ شود.

نموداری که در ادامه آمده برگرفته از گزارش مخاطرات جهانی ۲۰۲۰ مجمع جهانی اقتصاد است (۶) که این موضوع را به شکلی واضح منعکس می‌سازد. این نمودار ماهیت به هم پیوسته مخاطراتی که به صورت جمعی با آن مواجهیم را نشان می‌دهد، هر خطر مجزا نه تنها همیشه با خطراتی در مقوله کلان خودش بلکه با خطرات مجزایی در سایر مقوله‌های کلان نیز همراه می‌شود. به این طریق، هر خطر مجزایی از طریق فراخوانی سایر مخاطرات موجب پدیدآیی پتانسیلی جهت ایجاد آثار کمائی می‌شود. همان‌طور که در نمودار مشخص است، خطر یک «بیماری واگیر» با اثر مستقیم بر «شکست در حکمرانی جهانی»، «ناپایداری اجتماعی»، «بیکاری»، «بحران‌های مالی»

و «مهاجرت ناخواسته» پیوند دارد (در اینجا فقط معدودی از این موارد را نام بردیم). هر یک از این موارد نیز بر سایر مخاطرات فردی تأثیرگذار است. این امر بدان معناست که خطری فردی که آثار زنجیره از آن آغاز شده (در این مورد خاص «بیماری‌های واگیر») منجر به تشدید بسیاری از مخاطرات دیگر نه تنها در مقوله کلان خود (مخاطرات اجتماعی) بلکه در چهار مقوله دیگر نیز می‌شود. این امر نشان‌دهنده انتقال به واسطه پیوندی منظم است. در بخش‌های بعدی ما از دیدگاه اقتصادی، اجتماعی، ژئوپلیتیک، زیست‌محیطی و فناوری به بررسی این موضوع می‌پردازیم که خطر عالم‌گیری ممکن است شامل چه چیزهایی باشد.

وابستگی متقابل اثر مفهومی مهمی در بر دارد: «تفکر سیلویی» را باطل می‌سازد. از آنجا که درگیری و پیوستگی منظم در نهایت مهم‌ترین چیز هستند، پرداختن به یک مشکل یا ارزیابی یک مسئله یا خطر جدای از بقیه بی‌معنا و بیهوده است. «تفکر سیلویی» تا حدودی تبیین‌کننده این موضوع است که چرا بسیاری از اقتصاددانان در پیش‌بینی بحران اعتبار (در سال ۲۰۰۸) ناتوان بودند و اینکه چرا برخی از دانشمندان سیاسی انتظار داشتند بهار عربی (در سال ۲۰۱۱) اتفاق بیفتد. امروز، همان مشکل در ارتباط با عالم‌گیری نیز وجود دارد. همه‌گیرشناسان، متخصصان سلامت عمومی، اقتصاددانان، دانشمندان اجتماعی و دیگر دانشمندان و متخصصانی که به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کنند آنچه پیش رو است را درک کنند عبور از مرزهای رشته خود را دشوار (و حتی گاهی غیرممکن) می‌دانند. به همین دلیل است که پرداختن به تعاملات پیچیده‌ای از قبیل مهار پیشروی عالم‌گیری در برابر بازگشایی اقتصاد به شدت دشوار می‌آید. از این رو، قابل‌درک است که بیشتر کارشناسان به حیطه‌های بسیار باریک تفکیک شوند. در نتیجه، فاقد دیدگاه وسیعی هستند که برای مرتبط ساختن نقاط بسیار متفاوت لازم است، تا تصویر کامل‌تری را که تصمیم‌گیرندگان به شدت نیازمند آن هستند ارائه کنند.